

باسمه تعالی

- ۱..... توصیه استاد
- ۲..... وظیفه مجنب متیمم محدث به حدّ اصغر
- ۲..... فرمایش محقق خویی
- ۳..... مناقشه در بیان محقق خویی
- ۳..... اشکال اول: عدم اطلاق مالم یحدث
- ۳..... اشکال دوم: تقیه ای بودن روایت
- ۴..... اشکال سوم: عدم شمولیت روایت نسبت به فرض محل بحث
- ۴..... نکته: عدم تعارض بین روایت اُبی همام و زراره
- ۴..... مختار استاد: عدم وجوب تکرار تیمم برای هر نماز
- ۵..... استدلال دیگر محقق خویی بر وجوب تیمم بعد از حدّ اصغر
- ۵..... تقریب استدلال به آیه
- ۶..... مناقشه در استدلال محقق خویی
- ۷..... استدلال محقق خویی به روایات
- ۸..... مناقشه در کلام محقق خویی
- ۸..... فرع بعدی: حکم حائض متیمم بعد از حدّ اصغر

موضوع: وظیفه مجنب متیمم محدث به حدّ اصغر / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در این بود که اگر حدّ اصغر از جنب متیمم صادر شد باید تیممش را تکرار کند یا خیر؟! عرض شد که این بحث یکی از مسائل مهم و مورد ابتلاء است. ابتداء در جنب بحث می کنیم و بعد به حائض می رسیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

توصیه استاد

برخی انتقاد می کنند به مطالب زیادی که در کلاس گفته می شود؛ تنها راه حل این مطلب گسترش و کثرت مطالعه است. باید قبل از کلاس مطالعه و بررسی شده باشد و بعد برای نقد استاد و بررسی کلام استاد سر درس حاضر شوند. این بحث ها در صورت کثرت مطالعه بسیار آسان است؛ لکن تنها اشکال در کم کاری است. طبیعت بحث خارج این است که باید افراد حرف ها را دیده باشند و مطالعه کرده باشند و برای بررسی سر درس حاضر شوند و مباحثه نیز بکنند.

وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر

بحث در این فرع مهم بود که شخص جنب تیمم کرده است و بعد محدث به حدث اصغر می شود. آیا باید تیمم را تکرار کند یا اینکه تیمم او باقی است؟ در صورت دوم، اگر آب دارد باید وضو بگیرد و اگر آب ندارد تیمم بدل از وضو به جا آورد.

فرمایش محقق خویی

محقق خویی برخلاف خیلی مباحث که خلاف مشهور می رود، در این بحث موافق مشهور بوده است و ما به ایشان اشکال داریم. محقق خویی فرموده است که تیمم شخص در این صورت نقض می شود. مقدمه ای فرمود که جنابت باقی است و وقتی باقی بود مقتضای ادله، انتقاض تیمم است. ادله را عرض کردیم؛ سه دسته از روایات را ایشان مطرح کرده بودند که دسته ی اول روایات مطلقه «الجنب یتیمم»^۱ بود، دسته ی دوم روایات «المتیمم یصلی بیتیّمه... ما لم یحدث»^۲ بود، بحث از دسته ی سوم ناتمام ماند که تمسک به صحیحه ابی همام بود. این وجه در کلمات صاحب جواهر نیست و محقق خویی مطرح کرده است. روایت در باب ۲۰ حدیث چهارم است:

«رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنِ الرُّضَاعِ قَالَ: يَتِيمُمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يُوجَدَ الْمَاءُ»^۳.

سند روایت تمام و همه از ثقات هستند.

گفته شد که لسان این روایت شبیه لسان روایتی است که وضو برای هر نمازی را بر مستحاضه واجب می داند. اگر ما بودیم و این روایت حکم به وجوب تکرار تیمم نسبت به هر نماز می دادیم. لکن صحیحه زراره در همین باب روایت اول است:

«أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يُصَلِّي الرَّجُلُ بَتِيمُمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ كُلَّهَا فَقَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصِيبُ الْمَاءَ»^۴.

تمام راویان این حدیث نیز از ثقات هستند. محقق خویی فرموده است که صحیحه زراره صحیحه ابی همام را تخصیص می زند؛ یعنی تکرار تیمم برای هر نماز واجب است مگر در جایی که حدث سر نزده باشد.

۱ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۴ استبصار، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۶۳.

ایشان می فرماید محل کلام ما داخل در این عام است. محل کلام ما این است که کسی تیمم کرده و سپس از او حدیث صادر شده است. وقتی حدیث صادر شد، صحیح زراره که مخصص بود شامل آن نمی شود؛ زیرا فرض این است که حدیث از شخص صادر شده است. لذا عموم «تیمم لکل صلاة» شامل او می شود. نتیجه این می شود که باید برای هر نماز تیمم کند. فرق این مقام با مستحاضه این است که در مستحاضه حدیث در جریان است و مخصص ندارد و باید برای هر نمازی وضو بگیرد، لکن در مقام حدیث در جریان نیست و متوقف بر حدوث حدیث است؛ اگر حدیث از او صادر شد، مشمول روایت ابی همام می شود و باید برای نماز بعدی نیز تیمم به جا آورد. محقق خویی به عموم این روایت تمسک کرده و فرموده است که محل کلام ما مشمول این عموم است و مخصص، شامل آن نمی شود.

قدر متیقن در «تیمم لکل صلاة جنب» است گرچه محقق خویی در سایر اغسال این روایت را مطرح کرده است، لکن تفاوتی نمی کند؛ یا مقرر اشتباه آورده است یا خود محقق خویی صلاح دیده است که در آنجا ذکر کند.

مناقشه در بیان محقق خویی

این اسدلال ناتمام به نظر می رسد. سه اشکال بر کلام محقق خویی وارد می شود:

اشکال اول: عدم اطلاق مالم یحدث

شمول روایت «تیمم لکل صلاة» که محقق خویی شامل محل کلام دانسته اند، نسبت به محل کلام، مبتنی بر این است که مالم یحدث، مفهومی که محل کلام را شامل شود، در حالی که در جلسه ی گذشته اطلاق آن مورد تردید قرار گرفت. مالم یحدث اینجا را شامل نمی شود. مراد از حدیث در مالم یحدث همان حدیثی است که شخص به خاطر آن حدیث، تیمم به جا آورده است.

اشکال دوم: تقیه ای بودن روایت

عبارت این حدیث همانطور که صاحب وسائل حمل کرده است^۱، بوی تقیه می دهد؛ عامه قائل بودند که باید نسبت به هر نماز یک تیمم داشته باشد. همین عباس بن معروف از ابی همام در روایت محمد بن سعید بن غزوان روایت کرده است:

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: لَا يُتِمَّعُ بِالتَّيْمُمِ إِلَّا صَلَاةً وَاحِدَةً وَنَافِلَتَهَا»^۲.

۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۷۹، أبواب بابُ جَوَازِ إِقَاعِ صَلَوَاتٍ كَثِيرَةٍ بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يَجِدِ الْمَاءَ، باب ۲۰، ح ۴، ط آل البيت.

این روایت را نیز حمل بر تقیه کرده اند لکن آنجا از امام صادق بود و اینجا از امام رضا علیه السلام است. این روایت گرچه محمد بن سعید بن غزوان و ثاقبش ثابت نیست، لکن موید این است که این عبارت تقیه ای است.

اشکال سوم: عدم شمولیت روایت نسبت به فرض محل بحث

اشکال سوم این است که این روایت محل کلام را شامل نمی شود؛ زیرا در «يَتِيمٌ لِّكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يُوجَدَ الْمَاءُ»^۱ آمده است. ما می گوئیم در مقام نیز فرض بر این است که آب پیدا شده است، لذا دیگر تیمم نمی خواهد. اگر قرار باشد آن حدیث اطلاق داشته باشد، یوجد الماء نیز اطلاق دارد و محل کلام را شامل می شود. بنابراین ادله ی وضو حکم به وجوب وضو گرفتن در مقام می کند.

«یتیم لکل صلاة» تا زمانی که آب پیدا کند و فرض ما هم جایی است که شخص آب پیدا کرده است.

نکته: عدم تعارض بین روایت ابی همام و زراره

گمان نشود که این روایت ابی همام با روایت ماقبلش که در وسائل آمده است، معارض است؛ زیرا آن روایت می گفت: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ لَا يَجِدُ الْمَاءَ أَوْ يَتِيمٌ لِّكُلِّ صَلَاةٍ فَقَالَ لَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمَاءِ»^۲. لذا به قرینه ی روایت زراره انقلاب نسبت رخ می دهد.

مختار استاد: عدم وجوب تکرار تیمم برای هر نماز

خلاصه اینکه ما می گوئیم همانطور که شما ما لم يحدث را مطلق معنا می کنید و شامل حدیث اصغر می دانید، ما نیز می توانیم یوجد الماء را مطلق معنا کنیم و شامل وجدان آب برای رفع حدیث اصغر نیز بدانیم. کلام ما این است که اینکه بر شخص واجب باشد مانند مستحاضه برای هر نمازی تیمم کند همانطور که صاحب وسائل فرموده است، قابل التزام نیست. در ذهن ما این است که این متن، متن تقیه ای باشد؛ زیرا اهل سنت نیز قائل به وجوب تکرار هستند. قرینه ی حمل بر تقیه نیز همین است که ابی همام در آن روایت دیگر نقل می کند که آنجا تقیه ای بودنش واضح است. محصل کلام اینکه حکم به وجوب تکرار تیمم نسبت به هر نماز عرفی نیست.

۱ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۸۰، أبواب بابُ جَوَازِ إِيقَاعِ صَلَوَاتٍ كَثِيرَةٍ بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ مَا لَمْ يُحْدَثْ أَوْ يَجِدَ الْمَاءَ، باب ۲۰، ح ۶، ط آل البيت.

۲ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۸۰، أبواب بابُ جَوَازِ إِيقَاعِ صَلَوَاتٍ كَثِيرَةٍ بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ مَا لَمْ يُحْدَثْ أَوْ يَجِدَ الْمَاءَ، باب ۲۰، ح ۵، ط آل البيت.

بهتر این است که این روایت حمل بر تقیه شود لذا استدلال محقق خویی بر این روایت ناتمام است، علاوه بر اینکه ما ندیدیم احدی بر این روایت استدلال کند.

تا کنون وجه اول اینکه متیمم که حادث به حدیث اصغر شده است، باید تیمم را تکرار کند را بیان کردیم. حاصلش این شد که با تمسک به سه دسته از روایات حکم کردند که شخص باید تیمم کند.

استدلال دیگر محقق خویی بر وجوب تیمم بعد از حدیث اصغر

محقق خویی رحمه الله وجه دومی را بر وجوب تیمم بیان کرده اند. در وجه دوم دیگر نیازی به مقدمه سابقه که مدنظر قرار دادن بقاء جنابت بود، نیست. در این وجه محقق خویی به آیه ی شریفه و برخی روایات استدلال می کند بدون این مقدمه که جنابت باقی است.

تقریب استدلال به آیه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ - فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ - وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ - وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾ «وَأِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ - أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»^۱

دو تقریب در آیه ی شریفه مطرح شده است.

تقریب اول: ایشان فرموده است که موضوع در آیه ی شریفه این است که إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ یعنی «اذا كنتم محدثين به حدیث اصغر». در روایت ابن بکیر نیز به حدیث اصغر تفسیر شده است:

«عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلُهُ تَعَالَى إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ مَا يَعْنِي بِذَلِكَ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ قَالَ إِذَا قُمْتُمْ مِنَ النَّوْمِ»^۲.

ایشان فرموده است که کسی که محدث به حدیث اصغر است در صورت وجدان آب که وظیفه اش وضو است و باید وضو بگیرد و در صورت فقدان آب باید تیمم کند.

۱ سوره مائده، آیه ۶.

۲ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۷.

یعنی همین محدث به حدث اصغر در صورت جنابت، اگر آب داشت باید غسل می کرد، همین شخص که در صورت وجدان آب وظیفه اش غسل بود، در صورت فقدان آب باید تیمم کند. این بسیار نکته ی مهمی است. ایشان محدث به حدث اصغر را موضوع در این آیه می داند. فرض کلام ما محدث به حدث اصغر است؛ آیه می فرماید اگر کسی در صورت وجدان آب وظیفه اش غسل بود، اگر آب نداشت وظیفه اش تیمم می باشد. محل بحث ما نیز همین طور است. محدث به حدث اصغر که موضوع بحث ماست، اگر آب داشت باید غسل می کرد، مولا گفته است همین شخص اگر آب ندارد باید تیمم کند. محل بحث ما نیز همین است. شخصی تیمم کرده و خوابیده و از خواب بیدار شده است، اگر آب داشت باید غسل می کرد، آیه ی قرآن می گوید حال که آب نداری باید تیمم کنی. موضوع بحث ما محدث به حدث اصغر است. وجوب تیمم قید دارد؛ قید آن جنابت نیست، موضوع، آن کسی است که اگر آب داشت باید غسل می کرد. «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» ای کسی که اگر آب داشتی باید غسل می کردی، اگر آب نداری تیمم کن. این یک تقریب است که هیچ نیازی به صدق جنب به این شخص نیست. مهم این است که محدث به حدث اصغر باشد که هست. و مهم این است که اگر آب داشت وظیفه اش غسل باشد که آن نیز صدق می کند.

تقریب دوم: موضوع آیه ی شریفه شخص جنب نیست تا در جواب گفته شود که در جنب بودن این شخص شک داریم؛ موضوع این آیه «لَا مَسْتَمُ النِّسَاء» است. این شخص هم مصداقی از لامس به نساء است. ولو قبلا لمس کرده است ولی حال که آب پیدا نکرد، تیمم واجب است. ما نیازی به صدق جنب نداریم. فرقی نمی کند که او را بعد از تیمم جنب بدانیم یا ندانیم، در هر صورت این شخص مصداقی از لامستم النساء است و باید در صورت عدم وجدان آب تیمم کند.

مناقشه در استدلال محقق خویی

این کلام ناتمام است. ما ادعایمان این است که «اذا قمتم» یعنی محدث به صورت مطلق. موضوع آیه محدث است و بعد محدث را تقسیم کرده است. اگر این محدث غیر جنب است باید وضو بگیرد و اگر جنب است باید غسل کند. روایت ابن بکیر هم که تطبیق بر نوم کرده است صرفا یک تطبیق است. موضوع آیه محدث است و خدای متعال محدث را دو قسم کرده است؛ یک محدثی که جنب است که باید غسل کند و اگر جنب نیست باید وضو بگیرد و اگر آب نداشت باید تیمم کند. بنابراین به نظر ما در این آیه دو موضوع داریم. لذا نمی توان تمسک به عام در شبهه مصداقیه کرد؛ ما در مثال محل بحث، نمی دانیم که این شخص محدث به حدث اکبر است یا خیر؛ ما نمی دانیم این شخص بعد از انجام آن تیمم بدل از غسل و صدور حدث اصغر، جنب است یا خیر؛ کلام محقق خویی خلاف ظاهر است. به نظر ما موضوع همان محدث است.

به نظر ما «لامستم النساء» موضوعی جدید نیست، بلکه کنایه از جنابت است لذا اگر آن مقدمه ای که ایشان ادعا می کند مبنی بر مفروض گرفتن بقای جنابت نسبت به شخص، درست باشد، استدلال به این آیه تمام است و این آیه جزء ادله ی قسم اول می شود. اما اگر از آن مقدمه قطع نظر کنیم کما هو الظاهر، دلیل ایشان ناتمام خواهد بود. اینکه ایشان خیلی در این آیه اهمیت می دهد و می گوید «فی الاستدلال بالآیه و الروایات غنی» به نظر ما صحیح نیست.

استدلال محقق خویی به روایات

سپس ایشان به روایاتی تمسک می کند. روایات باب ۲۴ را ذکر می کنند:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يُجْنِبُ وَمَعَهُ قَدْرٌ مَّا يَكْفِيهِ مِنَ الْمَاءِ لَوُضُوءِ الصَّلَاةِ أَوْ يَتَوَضَّأُ بِالْمَاءِ أَوْ يَتِيمَّمُ قَالَ لَا بَلْ يَتِيمَّمُ أَلَا تَرَى أَنَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ عَلَيْهِ نَصْفُ الْوُضُوءِ»^۱.

شخص جنب شده است و به اندازه ی وضو آب دارد، آیا وضو بگیرد یا تیمم کند؟ حضرت حکم به وجوب تیمم کردند. **أَلَا تَرَى أَنَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ عَلَيْهِ نَصْفُ الْوُضُوءِ**؛ چند روایت صحیح بدین مضمون موجود است. محقق خویی فرموده است ظاهر این روایات این است که هر کسی که وظیفه اش در صورت وجدان آب غسل است، در صورت فقدان آب باید تیمم کند. در محل بحث ما نیز شخص اگر آب داشت وظیفه اش غسل بود، در صورت فقدان آب برای غسل باید تیمم کند.

ایشان ادعایش این است که موضوع در این روایت جنب نیست تا اشکال شود که در جنب بودن شخص شک داریم؛ موضوع در این روایت هر کسی است که در صورت وجدان آب وظیفه اش غسل بود، در صورت فقدان آب باید تیمم کند. عبارت محقق خویی در تبیین این استدلال چنین است:

«فانها تدل علی من كان وظیفته

بنابراین در نظر ایشان موضوع تیمم هرکسی که وظیفه اش اغتسال است می باشد. کلمه ی مجنب نیز در روایت نبود. این که اشکال شود که در مجنب بودن شخص شک داریم. بلکه یجنب گفته است. هر کسی که جنب شده است و وظیفه اش غسل باشد این حکم را دارد.

۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۸۶، أبوابُ «وُجُوبُ تَيْمَمِ الْجُنُبِ وَإِنْ وَجَدَ مِنَ الْمَاءِ مَا يَكْفِيهِ لِلْوُضُوءِ وَحَدَهُ وَعَدَمُ إِجْزَاءِ الْوُضُوءِ لَهُ»، باب ۲۴، ح ۱، ط آل البيت.

مناقشه در کلام محقق خویی

به نظر می‌رسد این استظهار از روایت درست نیست. ظاهر این روایت این است که سائل می‌پرسد همان رجل جنب باید وضو بگیرد یا اینکه تیمم کند؟ موضوع در این روایات جنب است که صدق آن بر محل کلام قابل اشکال است. بنابراین ایشان یک دلیل بیشتر ندارد که آن دلیل متوقف بر آن مقدمه است که تیمم جنابت را نمی‌برد. اگر گفتیم که تیمم جنابت را نمی‌برد کلام ایشان تمام خواهد بود. ولی ما که در مقام این مقدمه را اشکال داریم، استدلال به این روایات نیز ناتمام است. حاصل اینکه موضوع آیه و تمام روایات وارد در مسئله جنب است. ما وجه تفکیک بین آیه و برخی روایات را که ایشان انجام داده است را نمی‌فهمیم. اگر گفتیم جنابت باقی است این استدلالات صورت پیدا می‌کند و بحثی که در جلسه ی گذشته مطرح کردیم می‌آید مبنی بر اینکه این أدله جنب اولی را می‌گویند و در مقام بیان حکم بقای جنابت نیستند؛ بنابراین دلیل ایشان را در فرع اول که متیمم مجنب بود نتوانستیم بپذیریم.

فرع بعدی: حکم حائض متیمم بعد از حدّث اصغر

بعد ایشان وارد فرع دوم می‌شود. فردی حائض است و محدث به حدّث اصغر شده است. در اینکه تیمم بدل از وضو بر او واجب است بحثی نیست. زیرا تیمم حائض مغنی از وضو نیست. باید بالاخره بدل از وضو تیمم کند. لکن کلام در این است که علاوه بر این وضو باید تیمم بدل از غسل را تکرار کند یا خیر؟ محقق خویی حکم به تکرار تیمم داده است. فرموده است درست است که برخی از ادله ای ما که انطباق عنوان بود اینجا نمی‌آید. بر حائض دلیل نداریم که «الحائض یتیمم»؛ درست است که ادله ای که عنوان «جنب» و «لامستم النساء» داشت این جا نمی‌آید، ولی ادله ای دیگر کفایت می‌کند. همان ادله ای که می‌گفت می‌تواند با تیمم نماز بخواند تا زمانی که محدث نشده باشد. «الْمُتِمِّمُ يُصَلِّي بِتَيْمُمِهِ... مَا لَمْ يُحْدِثْ»، متیمم اطلاق دارد در متیمم جنب یا غیر جنب. روایت دیگر هم «يَتِيمِمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يُوجَدَ الْمَاءُ» است که ایشان با این ادله بحث را تمام کرده است. ما نیز در این ادله بحث کردیم و آن‌ها را ناتمام دانستیم؛ لذا در تمام موارد کلام ما این است که تکرار تیمم لازم نیست بلکه وضو واجب است. ملاحظه بفرمایید. و صلی الله علی محمد و آل محمد.

۱ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

